

# The Gates of Old Tehran

Kianoosh Motaghedi  
Independent Islamic Art Researcher



Tehran Project 7  
UC Irvine, 2019

دروازه‌های تهران قدیم

کیانوش معتقدی  
پژوهشگر هنرهای اسلامی

## Introduction

Urban space provides a field where civil life takes place. One of the structural elements in the texture of old cities has always been walls and «gates» in order to promote the symbolic features and identity of that place. That's why from long ago the construction of towers, fortifications and moats around cities was regarded, in addition to defensive and military functions, as a civic mark in the symbolic network of those places.

In Iran, walls and gates were considered appropriate places for performing many social, economic and ritual activities besides determining cities' territory. Although some scholars believe that Tehran had gates since the reign of Fath-Ali Shah Qajar, historical documents reveal that the background of such structures could be traced back to the Safavid era during Shah Tahmasp's reign.

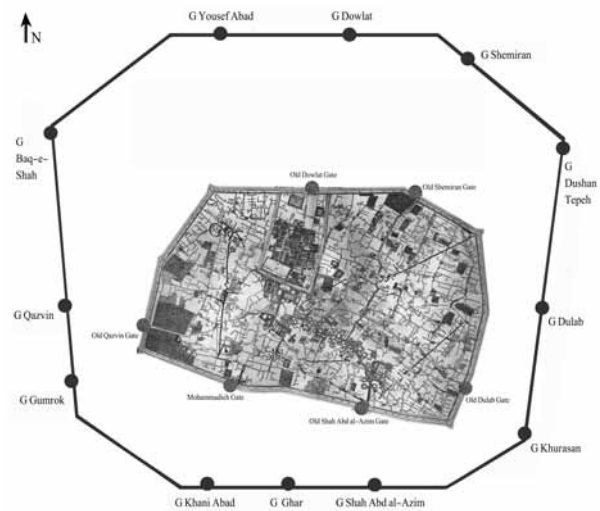
When Tehran was chosen as the capital of Iran in Qajar era, the formation and evolution of city gates were among the most important achievements of architecture in this newly-established city. Studying historical books about old Tehran, we only come across four or six gates from the time of the Safavids. During the reign of Naser al-Din Shah Qajar, as a result of the city's gradual expansion and due to the change in its plan in 1284 A.H./1867-68 A.D. (in imitation of Paris plan), the number of gates increased to twelve. From then on, people and caravansaries' coming and going was checked by some inspectors (gatekeepers). These gates had four or six minarets and were decorated by different kinds and techniques of tile-work (polychrome, angular, faience mosaic, etc.).

In fact, Tehran grew rapidly during the reign of Naser al-Din Shah. In that period not only people from other cities, but also foreigners went to Tehran to reside there. Therefore, Safavid borders had no more space and capacity to adapt itself to this new situation. Hence, the King ordered to expand the city 1000 ells from the direction of Shemiran Gate. These measures were being done after a famine of ten years in Tehran. Nasirieh Gate (at the beginning of Nasir Khosro St.) was apparently built about two years before, i.e. 1282 A.H./1865-66 A.D.

We can thus categorize the gates of old Tehran on the basis of architectural and civic construction into two main groups. The first one begins from the Safavids and continues into the Nasiri era, men

tioned as «*gates of Tehran in Tahmasp territory*»:

1. The old Gate of Shah Abdol Azim
2. The old Gate of Doulab
3. The old Gate of Shemiran
4. The old Gate of Dowlat
5. The old Gate of Qazwin
6. Gate of Mohammadiyeh (or the New Gate)



The second group contains those in the Nasiri era, named as «*gates of Tehran in Qajar territory*»:

1. The Gate of Dowlat
2. The Gate of Yusef Abab
3. The Gate of Shemiran
4. The Gate of Khorasan
5. The Gate of Doulab
6. The Gate of Dushan Tappe
7. The Gate of Bagh-e Shah
8. The Gate of Qazwin
9. The Gate of Gomrok
10. The Gate of Khani Abad
11. The Gate of Ghaar
12. The Gate of Shah Abdol Azim

It should be noted that another gate was built later for the Mashin-doudi (the first urban train) near the Gate of Shah Abdol Azim and added to the main twelve gates of the capital. By the way, one more gate was also constructed at late Qajar near Bagh-e Shah. And still two more at the end of this period (Qajar) in Maidan-e Mashq where for many years some persons used to beat kettledrums at its big iron portal. Its southern gate is the only survived one from old Tehran now we know it as Sardar-e Bagh-e Melli (Baghe Melli's Portal). After the collapse Qajar dynasty and with the diminishing defensive functions, walls and moats surrounding cities were gradually removed. Finally, these gates, as the most important symbols of Tehran, were destroyed forever in the Pahlavi period by Bozarjomehri, the then mayor of Tehran.

Although these constructions have been ruined for decades, fortunately a valuable collection of documents and reports relating to the old gates of Tehran survived from old times. They are considered the only connection between us and the forgotten symbols of Tehran. In this respect, after studying and examining the memories, reports, travel accounts, articles and academic thesis published up to now, I decided to study the gates from different viewpoints such as their architecture, their economic and social significance, culture, urban beautification and symbolism. Having compared the plans and tiling decorations of gates in Tehran with those Qajar ones in other cities (Qazwin, Semnan, Kerman, Sabzevar, Mashhad, Shiraz, etc.), I realized that the design and structure of such constructions in most cities of Iran in the Qajar period follow a similar model or pattern. This similarity in architecture and decoration could also be analyzed from the principles of design and symbolism.

## مقدمه

مهم‌ترین عامل شکل‌گیری شهر، مفهوم مرکز است و حفظ و حراست از آن در گرو کشیدن حصار و خندق و پدیدار شدن دروازه‌هایی برای عبور و مرور. وجود حصار و دروازه‌ها در اطراف شهرهای ایران از گذشته عاملی مهم برای کنترل آمد و شد مردم و هم‌چنین وصول عوارض و مالیات بوده است.

بر اساس مستندات تاریخی چنین برمیآید که قدمت نخستین حصار و دروازه‌های تهران، به دوره صفوی و روزگار شاه تهماسب می‌رسد؛ در همین زمینه و پس از انتخاب تهران بعنوان پایتخت ایران با آغاز دوره قاجار، ماجرای شکل‌گیری ساختار شهری در تهران و سپس توسعه حصار و برج و باروهای آن، از جمله مهم‌ترین دستاوردهای هنر معماری در پایتخت نوپای ایران بود. در ادامه و در عهدناصری همان‌گونه که شهر تهران به تدریج گسترش یافت، تعداد دروازه‌های تهران دو برابر شد و به دوازده عدد رسید و از آن پس ورود و خروج افراد و کاروان‌ها توسط مأمورانی کنترل شد. این دروازه‌ها چهار یا شش گلدسته داشتند و با انواع کاشی‌کاری (هفت‌رنگی و معرق) تزئین شده بودند.

در همین راستا به نظر می‌رسد می‌بایست دروازه‌های تهران قدیم را در دو دوره تاریخی بررسی کنیم:  
دوره نخست از روزگار صفوی تا میانه عهد ناصری که از آن با عنوان «**دروازه‌های تهران در حصار شاه تهماسبی**» یاد می‌کنیم، تهران دارای شش دروازه بود که عبارتند از:

- |                              |                      |                                 |
|------------------------------|----------------------|---------------------------------|
| ۱) دروازه شاه‌عبدالعظیم قدیم | ۲) دروازه دولاب قدیم | ۳) دروازه شمیران قدیم           |
| ۴) دروازه دولت قدیم          | ۵) دروازه قزوین قدیم | ۶) دروازه محمدیه (یا دروازه نو) |

طرح توسعه تهران بوسیله مسیو بوهلر (از معلمین دارالفنون) با اقتباس از نقشه شهر پاریس - که بوسیله سیاستمداران ووبن طرح ریزی شده بود- ارائه شد و پس از توسعه، دارالخلافه ناصری نامیده شد و علاوه بر گسترش شهر بر اساس نظامی نو، حصار و خندقی جدید با دوازده دروازه ساخته شد، که از آن با عنوان «**دروازه‌های تهران در حصار قاجاری**» یاد می‌کنیم و دروازه‌های آن عبارتند از:

- |                      |                     |                          |
|----------------------|---------------------|--------------------------|
| ۱) دروازه دولت       | ۲) دروازه یوسف آباد | ۳) دروازه شمیران         |
| ۴) دروازه خراسان     | ۵) دروازه دولاب     | ۶) دروازه دوشان تپه      |
| ۷) دروازه باغشاه     | ۸) دروازه قزوین     | ۹) دروازه گمرک           |
| ۱۰) دروازه خانی‌آباد | ۱۱) دروازه غار      | ۱۲) دروازه شاه‌عبدالعظیم |

البته یک دروازه هم بعداً برای ماشین دودی (اولین قطار شهری) در نزدیکی دروازه شاه‌عبدالعظیم ساخته و به دوازده دروازه اصلی شهر اضافه گردید. آخرین دروازه هم در پایان عهد قاجار در ضلع جنوبی میدان مشق ساخته شد که این روزها مابه نام «سردریاغ ملی» می‌شناسیم. در ادامه و پس از انقراض سلسله قاجار و با کم شدن کاربرد دفاعی، دیوار حصار و خندق دور شهرها اندک‌اندک برچیده شدند و در نهایت این دروازه‌ها - که مهم‌ترین نمادهای شهری تهران بودند - در دوره پهلوی به دست کریم بوذرجمهری، شهردار وقت تهران، برای همیشه تخریب و از میان رفتند.

امروز اما باوجود آنکه دهه‌هاست این دروازه‌ها از بین رفته‌اند، خوشبختانه مجموعه ارزشمندی از اسناد، سفرنامه‌ها و عکس‌های مربوط به دروازه‌های تهران قدیم از دوره قاجار باقیست، که تنها پل ارتباطی ما با خاطرات و نمادهای فراموش شده شهر تهران به‌شمار می‌آیند.

در همین راستا و پس از مطالعه و بررسی خاطرات، گزارشات، سفرنامه‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های منتشر شده، در پژوهش پیش‌رو، این دروازه‌ها را از جنبه‌های گوناگونی همچون سبک معماری، اهمیت اقتصادی و اجتماعی، تحولات زیباسازی سیمای شهری بررسی کنیم و با مقایسه پلان و تزئینات کاشی‌کاری دروازه‌های تهران با دیگر دروازه‌های باقی‌مانده از دوره قاجار (در شهرهای قزوین، سمنان، کرمان، سبزوار، مشهد، شیراز و...) درمی‌یابیم که طراحی و ساختار دروازه‌های ورودی در اکثر شهرهای ایران در دوره قاجار از الگوی مشابهی پیروی می‌کرده و این شباهت در معماری و شیوه تزئین از نظر مبانی طراحی و نمادشناسی نیز قابل بررسی هستند.

## اهمیت دروازه‌های تهران در هویت کالبدی شهر

مدنیت و شهرنشینی در ایران سیر تطوری به بلندای تاریخ دادر و از چشم‌اندازهای گوناگون قابل بررسی است. تهران از همان آغاز پایتختی تا کنون، به عنوان مرکز سیاسی کشور از ویژگی‌های فرهنگی، هنری و سبک خاص معماری برخوردار بوده، که در دوره قاجار فضاهای ورودی این شهر یا همان دروازه‌ها به لحاظ محل قرارگیری، انواع کارکرد، ساختار معماری و تزئینات وابسته به آن، موقعیتی ویژه و تأثیری نمادین بر ذهن شهروندان، سیاحان و مسافران در طول تاریخ گذاشته است. از طرفی یکی از عناصر کالبدی در ساختار شهر، برای تقویت کیفیت هویتی و یک «نشانه شهری» دروازه‌ها بودند. دروازه‌ها در شهرهای قدیم به عنوان مکان‌های آستانه‌ای برای عبور و گذار مطرح بوده‌اند، هرچند این دروازه‌ها مکان‌های ویژه نمادین نیز بودند. در حقیقت آستانه‌ها و فضاهای گذار حکم مکان را می‌یابند؛ مکان‌هایی خاطره‌ای که در آن محیط خود را نشان می‌دهند. دروازه‌ها نمونه‌ای از این باز نمود هستند و نفوذپذیری محدوده‌های شهر را کنترل می‌کنند و بر تفکیک فضا صحنه می‌گذارند، در عین حال که امکان گذار فیزیکی یا بصری افراد را نیز فراهم می‌سازند. (شعله، ۱۳۸۵، ۱۸)

تعداد دروازه‌ها در هر شهر بستگی به وسعت و اهمیت آن شهر از نظر موقعیت سیاسی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی داشت. علاوه بر موارد بالا، تدبیر دیگری نیز برای دفاع از شهر بکار می‌بردند و آن این بود که دور باروی شهر را خندق حفر می‌کردند و داخل آنرا آب می‌انداختند و به این وسیله مانع ورود دشمن به شهر می‌شدند و برای عبور و مرور خود اهالی شهر پلهایی می‌ساختند که در جلوی دروازه‌ها قرار داشت؛ مزیت دیگری که این خندق‌ها داشت این بود که مانع از آمدن سیل به شهر می‌شد و جلوی خرابی‌های ناشی از آنرا می‌گرفت. (ذاکرزاده، ۱۳۷۱، ۱۸)

در شهرهای ایران باستان، شار ساسانی چون شار پارسی، برمبنای باورهای دینی و متأثر از مقوله جهان‌بینی معمولا به حصار می‌ختم می‌گردید که برای یادآوری جهات و عناصر اربعه، چهار دروازه به چهار سوی عالم داشت. (حبیبی، ۱۳۸۰، ۳۱) دروازه‌های تهران علاوه بر تأمین ارتباطات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بین فضای داخلی و خارجی شهر، بیش از آنکه کارکردی نظامی-امنیتی داشتند، نمادی از سلیقه و قدرت اقتصادی حاکمان، شهروندان و البته هنرمندان و معماران بودند و طبعا بخش مهمی از نظام زیباسازی در سیمای پایتخت به شمار می‌آمدند. در حقیقت، انتظام فضایی و کالبدی شهر محصول فعل و انفعالات و روابط زیربنایی و ساختاری اجتماعی است و پیکره و چهره شهر و عناصر و اجزای آن تبلوری از شیوه زندگی، نحوه اندیشیدن، هویت و فرهنگ است. (محمدزاده مهر، ۱۳۸۲، ۳)

زمانیکه تهران بدون داشتن مراکز عمده تولید کالا، به کانون مهمی برای مبادله کالا و خدمات تبدیل شد، ساختار شهرسازی پایتخت برمبنای رشد بازرگانی به عنوان وجه اقتصاد شهری (با توسعه بازار تهران) تأثیر شگرفی بر شیوه سازماندهی مسیر راه‌های اصلی پیرامون شهر و محل قرارگیری دروازه پذیرفت. به همین خاطر نظام شهرسازی تهران (که تقریباً در دیگر شهرهای مهم ایران در دوره قاجار نیز قابل مقایسه بود) بر اساس نظام حرکت خطی بازار به مثابه مغناطیسی عمل می‌کرد که در این الگو حرکت از دروازه‌های آغاز و به دروازه‌ای دیگر متصل با به مرکز شهر (بازار و ارگ سلطنتی) متصل می‌شد. شکل کالبدی دروازه‌های تهران در طول تاریخ به تدریج با تحولات و توسعه شهر (تخریب حصار و دروازه‌ها) و تغییر نام آنها در طول ادوار مختلف به صورت کالبدی-ذهنی و بعد از تخریب آنها در آغاز دوره پهلوی به ذهنی-خاطره‌ای در آمدند. با تغییر نظام شهرسازی تهران در دوران معاصر، دروازه‌ها نمود فیزیکی خود را از دست دادند، اما همچنان ارزش خود را به‌عنوان مراکز مهم کالبدی و کارکردی در ساختار اصلی شهر حفظ کردند، به‌طوری که ردپای آنها را به‌طور تقریبی در مسیرهای دسترسی اصلی شهر به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد. این مسئله البته نه فقط درباره تهران بلکه در مورد بیشتر شهرهای ایران که در دوره قاجار دروازه‌های ورودی داشتند، صدق می‌کند و محل دروازه‌های سابق به مثابه مفصلی ارتباطی بافت قدیم و جدید هستند. (شعله، ۱۳۸۵، ۲۱)

دروازه‌ها آستانه و محل گذر بودند، گذر از حالت بیرونی به وضعیت درونی. ورودی‌ها و دروازه‌ها جلوه‌های فضایی گذار و اتصال هستند و به‌طور مستقل نقطه وصل و گذار را در انواع اتصال فضاهای باز به فضاهای بسته شکل می‌دهند. به‌طور کلی می‌توان چهار خاصیت را برای دروازه‌ها برشمرد: تعریف فضا، تشخیص فضا، جهت‌بخشی و هدایت. همچنین دروازه‌ها به‌لحاظ کارکردی نقش‌های متفاوتی داشتند: نقش ارتباطی، دفاعی و امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، یادمانی و بصری. (شعله، ۱۳۸۵، ۲۰)

کالبد معماری دروازه‌های حصار طهماسبی با نوع کارکرد حصار شهر در این دوره مرتبط بود. بنابراین ماهیت کارکردی دروازه‌های تهران در این دوران، فضایی ارتباطی بود؛ ارتباط میان یک فضای محصور با محیط پیرامون، که تابع ملاحظات و سلسله مراتب کارکردی و اجتماعی متعددی بود. به همین دلیل دروازه‌ها در حصار شهر ساخته می‌شدند و بیرون آنها معمولا یک پل بر روی خندق ساخته می‌شد.

بر اساس اسناد و طرح‌های باقی مانده از دروازه‌ها و حصار شاه طهماسبی، می‌توان به مشترکاتی در کلیت معماری و نحوه ترکیب اجزای آن دست یافت. به‌طور کلی این دروازه‌ها از یک دهانه ورودی اصلی با پوشش قوسی تشکیل می‌شدند که در وسط بنا قرار می‌گرفت. دو برج نیز در دو سوی آن استقرار می‌یافتند. به علاوه، دروازه‌ها معمولا دارای دومناره هم بودند که



دروازه محمدیه (دروازه نو) تهران در دوره قاجار، عکس از لوییجی پشه ایتالیایی (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان)  
Mohammadiéh Gate, Qajar era.  
(Golestan Palace Archive)

در دو طرف دهانه ورودی و بر فراز آن قرار داشتند. (حاج یاسینی، ۱۳۹۱، ۱۲۴) مانند دروازه تخت‌پل در سبزه میدان تهران بعد از طرح توسعه تهران و شکل‌گیری حصار جدید و دروازه‌های دوازده‌گانه، ساختار شهر شبیه به شهرهای دوران رنسانس در اروپا شد و از میان این دروازه‌ها، هفت‌تای آنها در انتهای خیابان‌های اصلی قرار گرفتند و پنج دروازه دیگر بیشتر برای تکمیل شکل هندسی دیوار [حصار] طراحی شدند و با راه‌های فرعی به شبکه شهر مربوط می‌شدند. (محمدزاده مهر، ۱۳۸۲، ۱۶)

## انتخاب تهران به عنوان پایتخت؛ سرآغاز تحولات معماری

با گزینش قاسم‌خان دولوی قاجار به کوتوالی تهران و اندکی بعد، میرزا محمدخان دولوی قاجار به سمت بیگلربیگی، دگرگونی تهران آغاز گردید. (تکمیل همایون، ۱۳۷۷، ج ۱، ۷۶)

بعد از مرگ کریم‌خان زند، آقا محمدخان قاجار در ۱۱۹۳ ه.ق به همراه چهارده تن از بستگان خود از شیراز گریخت. وی تا سال ۱۱۹۹ ق، بارها به تهران حمله کرد، اما غفورخان بیگلربیگی حاکم تهران سد راهش بود، تا سرانجام بر اثر شیوع بیماری وبا در تهران، حاکم تهران بیمار شد و در گذشت. (روضه‌الصفاء، ۱۳۳۹ ق، جلد ۹: ۱۸۹) بعد از غفورخان، جانشین او محمدخان حاکم تهران شد و در زمان او بود، که آقا محمدخان بالاخره به آرزویش دست یافت و تهران را تصرف کرد. سرانجام در روز یکشنبه یازدهم جمادی‌الثانی ۱۲۰۰ ق (مصادف با اول فروردین)، سلسله قاجار را بنا نهاد و در تهران جلوس کرده، خطبه خواند و تهران پایتخت و دارالخلافه ایران شد. (تکمیل همایون، ۱۳۷۷، ج ۱: ۷۰)

سلسله پادشاهان قاجار، که از سلسله ایل قاجار و تیره قوانلو (قویونلو) بودند، و بعد از تأسیس سلسله قاجار و انتخاب تهران بعنوان پایتخت، آقامحمدخان ابتدا استرآباد را مقر حکومت خود قرارداد و مدت نه سال طول کشید تا توانست بر همه رقبا پیروز گردد و نهایتاً در ۱۲۰۹ ق در تهران تاج‌گذاری رسمی انجام داد.

اما انتخاب تهران به عنوان پایتخت از سوی خان قاجار چند علت داشت؛

**الف)** نزدیک بودن طهران به مازندران و استرآباد (یعنی یورت ایل قاجار)، و این فرصت مغتنمی بود تا هر زمان شاهان قاجار نیاز به نیروی قومی و نظامی داشت، آنان بتوانند در کمترین زمان به تهران گسیل شوند. علاوه بر آن نزدیک بودن طهران به یورت ایل خلیج و عرب در ساوجبلاغ و ساوه و ورامین تا حدی از جهت نظامی نیز برای آقا محمدخان پشتیبانی تأمین می‌شد.

**ب)** موقعیت جغرافیایی تهران از جهت استراتژیک و جنگی آن روزها برای این انتخاب بسیار مناسب بود. چه تهران از سه سو به کوه‌های مرتفع احاطه شده است و با این کوه‌ها تهران با لشکرکشی‌های روزگار آقامحمدخان چون قلعه‌ای نفوذناپذیر بود و حفظ آن در برابر دشمنان بسیار آسان می‌نمود.

**ج)** در زمان آقامحمدخان با وجود قلت جمعیت، شهر تهران و روستاهای ری، ورامین، شمیران و شهریار، برای تأمین آذوقه ساکنان مناسب و برآورنده نیازهای اقتصادی و مایحتاج زیستی بودند. احداث گذر «لوطی صالح» (از شیرازیان هوادار آقامحمدخان)، ترمیم و مرمت بخشی از برج و باروهای حصار طهماسبی و احیای خندق در اطراف ارگ سلطنتی، از جمله اقدامات آقامحمدخان در تهران بود. (کریمان، ۱۳۵۵: ۱۹۸)

در همین راستا رضاقلی‌خان هدایت نوشته: «حضرت شهریار قاجار بعمارت طهران حکم داد و آن شهر شهیر را بملاحظه قرب جوار به مازندران و استرآباد دارالملک خود ساخت و در آبادی آن کوشید.» (هدایت، ۱۳۳۹، ۱۹۸)

نقشه کرشیش از تهران در حصار شاه تهماسبی، ۱۲۷۵ق، شش دروازه در آن  
قابل مشاهده است. (مأخذ: معتمدی، ۱۳۸۱)

Map of Tehran made by Czech officer August Krziž from  
Austrian Empire in 1857.



## وضعیت تهران و دروازه‌های آن در دوره قاجار

### فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق.)

در واقع آقامحمد خان هیچگاه فرصت نیافت تا در تهران حکومت کند و جنگ‌های متعدد و درگیری‌هایش با رقبا و دشمنانش، باعث شد تا در نهایت در اثنای یکی از جنگ‌هایش در ارمنستان کشته شود و برادر زاده اش باباخان که بعدها لقب فتحعلی‌شاه را برگزید به تخت شاهی و حکومت دارالخلافه تهران برسد.

فتحعلی‌شاه در نوروز ۱۲۱۲ق، روز عید رمضان در تهران تاج‌گذاری کرد. حکومت او همزمان با ناپلئون (۱۷۹۵م) در فرانسه بود. در دوران فتحعلی‌شاه تهران بیش از پیش آباد گردید و گذشته از ساختمان ارگ سلطنتی (که دروازه‌هایی در شمال و جنوبش داشت)، در داخل شهر و حومه آن بناهایی جدید احداث گردید و علاوه بر مسجد جامع (مسجدشاه) که از ابنیه خیریه شاه بود، بسیاری از بناهای قدیمی را مرمت کرد و تعدادی بناهای عام‌المنفعه نظیر حمام، کاروانسرا، مسجد و مدرسه، میدان و چهار دروازه در حصار شهر ساخت. شایان ذکر است میدان مشق نیز در همین دوران تأسیس شد.

چهار دروازه تهران در حصار شاه تهماسبی که از دوره صفوی (سال ۹۶۱ق) تا روزگار فتحعلی‌شاه باقیمانده بود عبارت بودند از **شمال**: دروازه شمیران که در اول پامنار واقع بود (بعدها در انتهای پل چوبی دروازه دیگری به همین نام ساخته شد) **شرق**: دروازه دولاب واقع در اول بازارچه نایب السلطنه (بعدها در سهراب شکوفه دروازه دیگری به همین نام ساخته شد) **غرب**: دروازه قزوین اول بازارچه قوام‌الدوله، میدان شاپور سابق (بعدها در میدان قزوین دروازه دیگری به همین نام ساخته شد) **جنوب**: دروازه شاه عبدالعظیم (یا دروازه اصفهان) واقع در ابتدای بازار حضرتی خیابان مولوی (بعدها در میدان شوش دروازه دیگری به همین نام ساخته شد) (تکمیل همایون، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۲)

### محمدشاه (۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق.)

پس از وفات فتحعلی‌شاه، محمدشاه از تبریز حرکت کرد و به باغ نگارستان تهران که بیرون حصار تهران بود، رفت و بعد از اینکه غائله علیشاه ظل‌السلطان (پسر بزرگ فتحعلی‌شاه) را که مدعی تاج و تخت شده بود، خاتمه داد به داخل تهران و ارگ سلطنتی رفت و تاج‌گذاری کرد. (بلاغی، ۱۳۸۶، ۵۴)

در دوره محمدشاه تهران اندکی به سمت غرب گسترش پیدا کرد و در آخرین سال پادشاهی محمدشاه قاجار ۱۲۶۳ قمری دروازه‌ای در پاقابوق تهران ساخته شد. این دروازه در جنوب محله بازار تهران واقع بود. علاوه بر نام محمدیه، نام‌های دیگری نظیر دروازه نو داشت. کاشی کاری باروهای این دروازه را «محمدقلی کاشی‌پز» - یکی از کاشیکاران معروف دوران قاجار - انجام داده است. همچنین در همین دوران مدرسه و مسجد حاج رجبعلی نیز در ۱۲۶۲ ق در تهران ساخته شد.

### ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق.)

با روی کار آمدن ناصرالدین‌شاه و در سالهای آغازین حکومتش، نخستین گام‌ها برای تحولات کالبدی شهر تهران و توسعه آن به همت امیرکبیر برداشته شد. نخست بخش‌هایی از ارگ سلطنتی بازسازی شد، ناصر نجمی در کتابش می‌نویسد: «در سال ۱۲۶۷ق به دستور امیرکبیر حصار ارگ، تجدید بنا شده و کوچه‌های آن برای حرکت کالسکه و عرابه‌ها آماده گردید. در سال بعد نیز در داخل ارگ بناهای جدیدی به جمع عمارت‌های سلطنتی قدیم افزوده شد و دیوان‌خانه کاخ گلستان را از طرف شرق توسعه دادند.»

در همین دوران، کم‌کم برخی از صاحب‌منصبان در بیرون حصار تهماسبی اقدام به ساخت عمارت‌ها و باغ‌هایی کردند. از آن جمله باغ نظامیه (در محل کنونی جنوب میدان بهارستان) بود که متعلق به به صدراعظم بود و در سال ۱۲۷۱ق سمت اتمام یافت، که در آن زمان از مسیر دروازه شمیران (در محل کنونی تقاطع خیابان امیرکبیر و خیابان پامنار). از دیگر رجال معروف آن دوران که

بیرون از دروازه‌های حصار تهماسبی خانه‌ای ساخت، میرزا رضای نجم‌الملک بود که در اثنای تحولات سال ۱۲۸۴ق، این عمارت که بیرون دروازه دولت قدیم بود، برای فروش گذاشته شد و اعلان فروش این خانه در روزنامه دولت علیه در تاریخ پنجشنبه ۲۰ رمضان سنه ۱۲۸۴ق منتشر گردید. عهد ناصری همچنین روزگار شکل‌گیری نهادها و وزارت‌خانه‌ها بود. در سال ۱۲۷۵ق به فرمان ناصرالدین‌شاه کارهای دولت بین شش وزارتخانه تقسیم شد که عبارتند از: داخله، خارجه، جنگ، مالیه، عدلیه، وظایف و علوم، تعداد این وزارتخانه‌ها به مرور زمان و برحسب احتیاجات کشور تا سال ۱۲۸۹ق به نه وزارتخانه رسید. (شمیم، ۱۳۷۲، ۱۹۰)



اردوی ناصرالدین‌شاه در روز حفر خندق و حصار جدید، در شمال حصار قدیم تهران، ۱۲۸۴ق. (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان)

A ceremony of Tehran's development project in 26 Dec 1867 in 1867. (Golestan Palace Archive)

## چگونگی شکل‌گیری طرح توسعه تهران در عصر ناصری

با توجه به افزایش جمعیت تهران در آغاز دوره ناصری و لزوم گسترش فضای پایتخت، کم‌کم محله‌هایی در حاشیه بیرونی حصار تهماسبی شکل گرفت و در ادامه ناصرالدین‌شاه (در حدود ۱۲۶۹ق) با مشاوره اطرافیان‌ش تصمیم به اجرایی کردن طرح گسترش تهران گرفت.

برای انجام این طرح مسیو بهلر، مهندس فرانسوی که از معلمین دارالفنون بود، معمور شد تا نقشه و طرحی نو برای دارالخلافه آماده کند. تا پیش از شروع به کار، سیمای تهران از نظر معماری و نظام شهرسازی، بسیار ساده و نامنظم بود، آن چنان که بسیاری از خیابان‌ها و کوچه‌ها تنگ، زاویه دار بود و تقریباً هیچ فکری برای تأسیسات، فاضلاب و معابر پیاده رو نشده بود. در شکل‌گیری نقشه جدید تهران، بهلر که خود دانش‌آموخته مکتب ووبن بود، طرح جدید شهر را بر مبنای سبک شهرهای اروپایی و به خصوص پاریس بنا نهاد و شکل محیطی تهران از فرم دوزنقه با پنج دروازه (حصار تهماسبی) به یک هشت‌ضلعی با دوازده دروازه (حصار قاجاری) تغییر شکل داد.

شایان ذکر است که سببستین ووبن، معمار و طراح شهرها و قلاع متعددی در اروپا بود و سبک کار او تا یک سده بعد در اروپا مورد تقلید معماران و طراحان بود و در روزگاری که بهلر معمور طراحی پایتخت ایران بود، کتاب نقشه قلاع و شهرسازی ووبن سالها پیش منتشر و الگویی معتبر برای معماران و طراحان در اروپا بود. پس بهلر قادر بود تا مستقیماً از نقشه و طرح‌های اصلی که ووبن برای طراحی شهر پاریس کشیده بود بهره‌برد و اینگونه بود که نقشه جدید تهران، شباهت ظاهری جالب توجهی به شهر پاریس در قرن ۱۸م پیدا کرد.

در ادامه مسیو بهلر کتابی در علم «تحصن» (علم مهندسی و طراحی خندق و حصارهای تدافعی شهرها) برای محصلین مدرسه دارالفنون نگاشت که در حقیقت برداشت‌هایی از آموزه‌ها و نقشه‌های کتاب ووبن بود. این کتاب توسط «میرزا علی‌اکبر مهندس شیرازی» به فارسی ترجمه و نقشه‌هایش، در سال ۱۲۷۵ق (با مقابله متن اصلی با ترجمه فارسی توسط محمدمیرزا ولد شاهزاده محمود میرزا) در تهران چاپ شد.

در طرح جدید بهلر برای تهران، میدان توپخانه که پیشتر در ضلع شمالی ارگ سلطنتی و حصار شاه تهماسبی قرار داشت، حالا به مرکز جدید تهران بدل شد، خیابان‌های سنگ‌فرش و جدیدی در اطراف آن احداث و میدان به خیابان‌های اصلی شهر وصل شد. البته این تحولات فقط شامل شهر تهران نبود و فضای داخلی ارگ سلطنتی (که خود شهر کوچکی در قلب پایتخت بود) نیز

دستخوش تغییرات عمده‌ای شد و البته چند قصر جدید در مناطق تازه تأسیس تهران و حومه شهر ساخته شدند؛ همچون قصر عشرت‌آباد، عمارت بلندمرتبه در باغ شاه، قصر دوشان تپه و کاخ سلطنت‌آباد.

در گزارش اعتمادالسلطنه درباره مراسم توسعه تهران در مرآت البلدان آمده: «چون جمعیت آبادی دارالخلافة نهایت روبه ازدیاد نهاده و شهز گنجایش جمعیت حالیه را ندارد، رأی صواب نمای ملوکانه اقتضاء فرمود که وسعت مکانی برای اهالی حاصل آید. لهذا مقرر فرمودند که شهر طهران را از سمت دروازه شمیران یک هزار و هشتصد ذرع و از سه جانب دیگر از هر طرف یک هزار ذرع وسعت دهند. و کفایت این امر رابه عهده جناب آقای مستوفی‌الممالک و میرزاعیسی وزیر دارالخلافة موکول فرمودند.» یکی از مهم‌ترین وقایع پیش از آغاز توسعه تهران، انتخاب مستوفی‌الممالک (وزیر مالیه) بعنوان سرپرست دارالخلافة و انتصاب میرزاعیسی (پسر میرزا موسی وزیر) به وزارت تهران در تاریخ ۴ محرم ۱۲۸۴ق بود که در ادامه ناصرالدین شاه این دوتن را برای پیش برد طرح توسعه تهران و ایجاد دارالخلافة ناصری برگزید.

در میان اسناد سازمان اسناد ملی ایران، سندی تحت عنوان گزارش برآورد قیمت ساخت برج و بارو و دروازه های جدید به ناصرالدین‌شاه وجود دارد که بر اساس متن آن: «قلعه محیط شهر شانزده هزار زرع می‌شود اگر زرعی را با برج و بارو و خندق بیست تومان اخراجات شود، بهر آرایش و نمایش انشاءالله ساخته می‌شود این مبلغ سیصد و بیست هزار تومان می‌شود و از مصالح قلعه قدیم هم کم و بیش مصرف در قلعه جدید می‌شود و در این ضمن در حق تنبیه مقصرین فکر می‌توان کرد که در قلعه بکار بکنند و سائیلین درست را هم که بازار و کوچه‌ها را پر کرده‌اند می‌توان بکار واداشت و مزد داد. و هرگاه در هر ضلعی سه دروازه معین شود که در چهار ضلع دوازده دروازه باشد، بسیار مناسب و باعث ارادت ابدی ملت خواهد بود و چهار دروازه در چهاروسط اضلاع در علو و شکوه ترجیح بسیار دروازه داشته باشد بهتر به نظر می‌آید.» (ذاکرزاده، ۱۳۷۳، ۲۵)

## دروازه ناصریه الگویی برای سبک جدید معماری دروازه‌های تهران

در دوره ناصری و پیش از آنکه ایده گسترش تهران عملی شود، ابتدا بدستور ناصرالدین شاه ساخت و سازهایی در داخل ارگ آغاز گردید. بناهایی از کاخ گلستان که تا به امروز جان سالم به در برده‌اند، بدستور او ساخته شده‌اند و تقریباً بخش‌هایی از کاخ و اندرونی که پیش‌تر توسط فتحعلی‌شاه قاجار ساخته شده بود، نیاز به مرمت اساسی داشت و دیگر برای مقاصد و نیازهای شاه جدید مناسب نمی‌نمودند، پس آنها تخریب شدند.

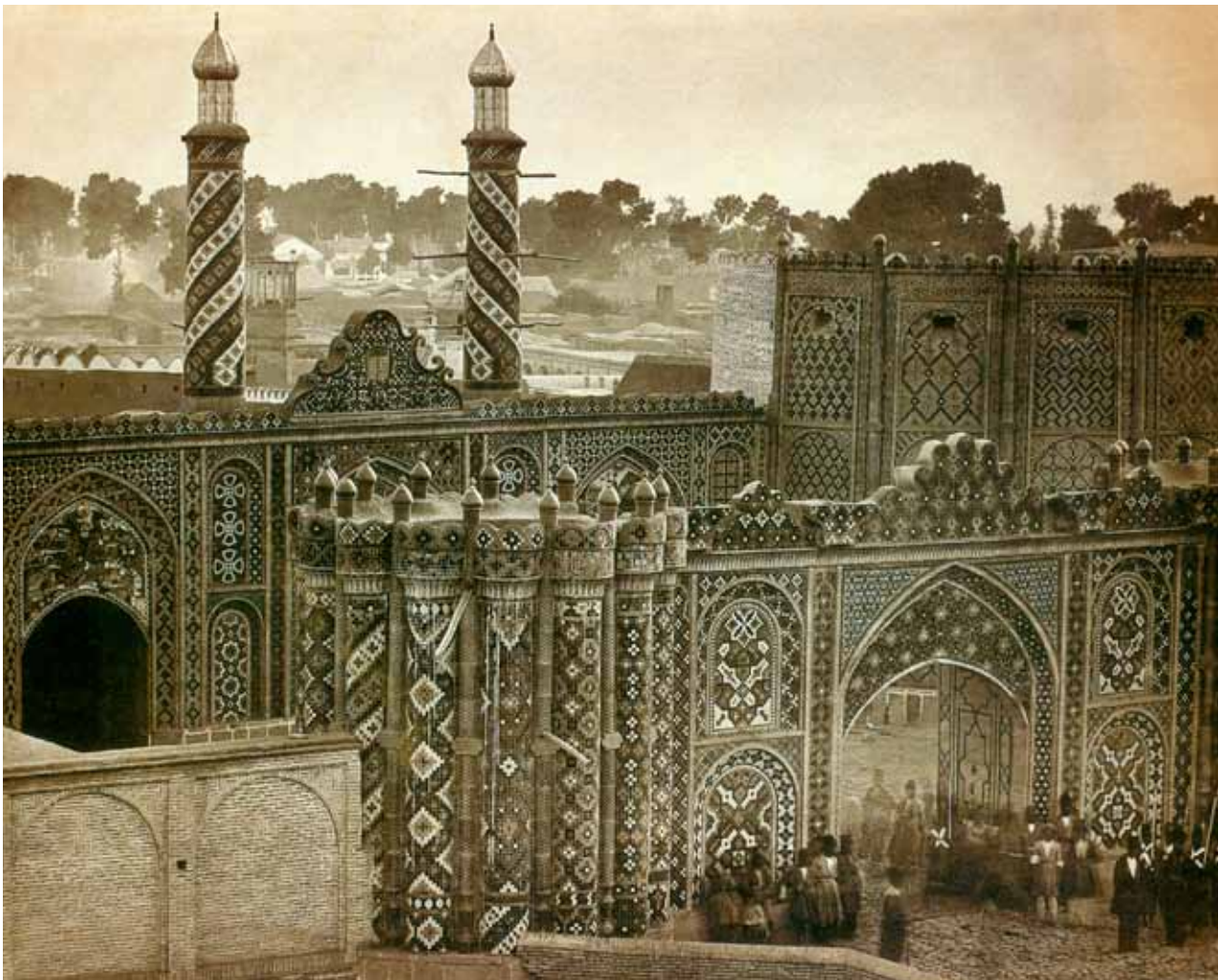
ناصرالدین‌شاه رفته‌رفته توسعه‌ی کاخ گلستان را به‌عنوان قسمتی از یک برنامه‌ی نوسازی جاه‌طلبانه در تهران، ابزاری جالب‌توجه برای بالابردن وجهه‌ی عمومی خود در مقام یک حاکم تأثیرگذار و یک حامی هنری در مقیاسی عظیم می‌یافت. وی می‌دانست که این شهر قدیمی، پرجمعیت و فرسوده است و این مسأله سبب بازماندن تهران از ترقی کامل و تبدیل شدن به پایتخت خواهد بود. در سال ۱۲۸۴ق بازسازی اساسی تهران را با تخریب بخش‌های متراکم شهر آغاز کرد. او میدان‌هایی بزرگ و خیابان‌هایی عریض ساخت و عاقبت، سیستم روشنایی معابر را عرضه و باب کرد. ناصرالدین‌شاه مساحت شهر جدید گسترده‌اش را چهار برابر تهران زمان فتحعلی‌شاه وسعت داد. همچنین حومه‌های جدید قابل سکونتی را رو به شمال احداث و شهر را در میان مجموعه‌ی چشمگیری از دیوارهای نوساخته که دورشان را خندقی فرامی‌گرفت محصور کرد.

اصلاحات با سرعت چشم‌گیری چهره شهر را تغییر می‌داد، آن‌چنان که وقتی ناصرالدین‌شاه بعد از سفری به تهران بازگشت تحت تأثیر این تحولات که خود بانی آن بود قرار گرفت. در همین راستا در روزنامه خاطرات روز دوشنبه ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۸۴ق آمده: «از دروازه ناصری داخل شهر شده، دروازه و خیابان بسیار بسیار خوب شده، هیچ شبیه به طهران نیست، شهر دیگری است، بسیار قشنگ. زن و مرد زیادی استقبال آمده بودند.»

ظاهراً تنها بعد از گذشت یک‌سال پس از زدن کلنگ توسعه شهر، بخش اعظمی از حصار تازه شهر و خندق بیرونی‌اش ساخته شده بود، آن‌چنان‌که در روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در روز دوشنبه ۲ شهر رجب ۱۲۸۵ق آمده: «سوار کالسکه شده با امیرآخور صحبت کنان رانیدیم. دم خندق جدید مستقبلین آمده بودند.»

اما نکته حائز اهمیت در این میان، وجود الگویی بود که دروازه‌های جدید بر اساس آن طراحی و تزئین شدند و آن دروازه ناصریه بود. بر اساس روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه که منبع بی‌نظیری برای مطالعه تاریخ هنر و معماری تهران و تحولات شهری است در می‌یابیم که دو سال پیش از زدن کلنگ تغییرات تهران در ۱۲۸۴ق، دروازه ناصریه (در ابتدای خیابان ناصرخسرو) وجود داشته و همین بنا الگوی ساخت دروازه های دوازده گانه تهران بوده. در خاطرات ناصرالدین‌شاه، روز یکشنبه ۲۴ رمضان ۱۲۸۲ق آمده: «پنج به غروب مانده در طهران از خواب برخاستم. یک ساعت به غروب مانده سوار کالسکه شده، برگشتم از دروازه تازه ناصریه وارد شهر شدم. یحیی‌خان و استادجعفر بودند، تأکید در بتائی شد»

پروژه ساختمان حصار و خندق های جدید تهران، بین ده تا دوازده سال به طول انجامید. (تهرانی، ۱۳۸۹، ۱۹۸): نکته جالب توجه شباهت دروازه های اصلی و پرتدد شهر به هم بود، آن چنان که علاوه بر نقشه و ساختار سه بخشی کاملاً متقارن که دهانه ورودی در قسمت میانی آن واقع بود (سمسار، ۱۳۹۲، ۱۹) نوع تزئینات نمای این دروازه، که کاشی‌های هفت رنگ با نقش نزاع رستم و دیو سفید و کاشی‌های معقلی بود نیز عیناً توسط سازندگان و کاشیکاران دروازه‌های بعدی مورد تقلید قرار گرفت.



دروازه خیابان ناصریه، در میدان توپخانه تهران، ۱۲۸۲ق. (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان)

Nasserieh Gate, in Topkhaneh Squire in 1865. (Golestan Palace Archive)

گفتنی است، ساختار معماری دروازه‌های تهران (با مناره‌های تزئینی و تاج‌های خورشیدی‌های و ستنوری) خیلی زود به الگویی برای طراحی فضاهای ورودی بناهای ایران بدل گردید و در بسیاری از شهرهای ایران فرم جلوخان، پیش‌طاق و درگاه، خورشیدی و نماسازی با کاشی و مناره‌های باریک تزئینی در ورودی امامزاده‌ها، کاروانسراها، باغ‌ها و قصرهای حکام به تقلید از نماسازی دروازه‌های تهران عهد ناصری ساخته شدند؛ از آن جمله سردر ورودی حضرت عبدالعظیم، شاهزاده حسین قزوین، کاروانسرای منظریه قم، و سردر باغ دوشان‌تپه.

روز یکشنبه یازدهم شعبان سال ۱۲۸۴ ه.ق بیرون شهر (جایی در محدوده شمالی دروازه دولت قدیم) سراپرده شاهی برافراشتند و گروهی از رجال در آنجا گرد آمدند و شاه در موضعی که خندق را طرح ریخته بودند کلنگی که از نقره بود به دست گرفت و به زمین زد. در این روز شهر تهران را «دارالخلافة ناصری» نام کردند و میرزا محرم خلیفه، معلم زبان دارالفنون، این بیت را در تاریخ تأسیس این برج و باروی جدید سرود:

طبع محرم با دل شاد از پی تاریخ گفت جاودان با فر یزدان باد شهر ناصری

خندق و حصار تهران را با الهام از سبک معمار برجسته فرانسوی سبستین ووبن و شبیه به نقشه خندق پاریس به صورت هندسی مثنی ساختند. محیط شهر جدید بالغ بر بیست و دو کیلومتر گردید و دوازده دروازه (شاید برای تبرک جستن به نام دوازده امام) برگرد آن طرح افکندند. این دروازه‌ها با سبک معماری نو و تزئینات کاشیکاری زینت یافت و در نوع خود حتی برخی از جهانگردان و یا سیاسیون خارجی را تحت تاثیر قرار می‌داد.

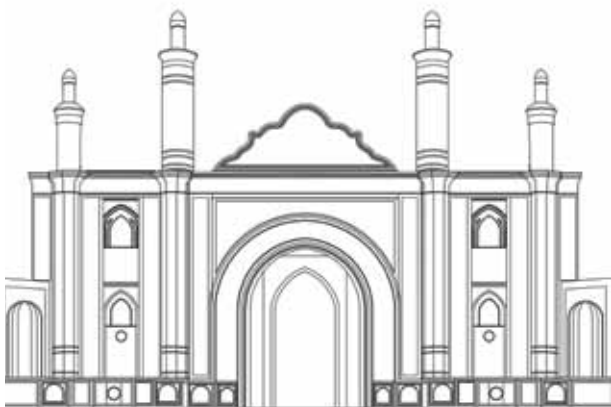
حدود دارالخلافة ناصری از حد شمالی: خیابان انقلاب (از میدان انقلاب تا میدان امام حسین)، از حد غربی: خیابان کارگر (از میدان انقلاب تا میدان راه‌آهن)، از حد شرقی: خیابان هفده شهریور (از میدان شوش تا میدان امام حسین) و از حد جنوبی: خیابان شوش (از میدان شوش تا میدان راه‌آهن) بود.

به این ترتیب حصار ۸ ضلعی با ۱۲ دروازه به نام‌های دروازه شمیران (در انتهای پل چوبی)، دروازه دولت (در تقاطع خیابان انقلاب و سعدی)، دروازه دوشان‌تپه (میدان شهدا)، دروازه دولاب (سه‌راه شکوفه)، دروازه خراسان (میدان خراسان)، دروازه شاه عبدالعظیم (میدان شوش)، دروازه غار (در تقاطع خیابان‌های شوش و هرندی)، دروازه خانی‌آباد (در محل تلاقی خیابان‌های شوش و



گزارش طرح توسعه تهران و حفر خندق جدید دارالخلافه ناصری  
روزنامه دولت علیه، ۲۹ شعبان ۱۲۸۴ ق. (مأخذ: کتابخانه ملی ایران)

A report of Tehran's development project in 26 Dec 1867.  
(National Library of Iran)



طرح خطی دروازه شاه عبدالعظیم دارالخلافه ناصری (مأخذ: نگارنده)

A drawing of Shah Abd-al-Aziz Gate, Tehran, Qajar era.

شهید رجایی)، دروازه گمرک (در انتهای خیابان امیریه رو به میدان گمرک)، دروازه قزوین (در نزدیکی میدان قزوین)، دروازه باغ‌شاه (میدان حر) و دروازه یوسف‌آباد (در محل تقاطع خیابان‌های انقلاب و حافظ) برای شهر طراحی و احداث شد. البته در ادامه یک دروازه آجری مخصوص ماشین دودی که نخستین قطار شهری تهران بود، در نزدیکی دروازه شاه‌عبدالعظیم ساخته شد که ساختارش به کلی با دروازه‌های اصلی فرق داشت و بسیار ساده بود.

## دروازه‌های تهران در عصر ناصری

ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۴ ق/۱۸۶۷ م، بازسازی جدی و اساسی تهران را با تخریب بخش‌های متراکم شهر آغاز کرد. او میدان‌هایی بزرگ و خیابان‌هایی عریض ساخت و عاقبت، سیستم روشنایی معابر را عرضه و باب کرد. ناصرالدین‌شاه مساحت شهر جدید گسترده‌اش را چهار برابر تهران زمان فتح‌علی‌شاه وسعت داد. وی حومه‌های جدید قابل سکونتی را رو به شمال احداث و شهر را در میان مجموعه‌ی چشمگیری از دیوارهای نوساخته که دورشان را خندقی فرامی‌گرفت محصور کرد. از میان این حصار، دوازده دروازه‌ی کاشی‌کاری شده که در جهات اصلی محیط شهر (یا نزدیک این جهات) مستقر شده بودند می‌گذشت. درجه اهمیت این دروازه‌ها را موقعیت قرارگیری آنها در شهر، شمار مسافران و خدمات و کاربردهای اطرافشان تعیین می‌کرد. بدین ترتیب دروازه‌هایی با میزان اهمیت کمتر نظیر: دروازه دولاب، یوسف‌آباد و گمرک عمقی بسیار اندک و برای تفکیک داخل و خارج حصار و کنترل ورود و خروج به صورت ساده‌تری ساخته شده بودند. دروازه‌های بزرگتر، دروازه‌های واقع در مسیر ارتباطی کاروان‌ها، مسافران و مراکز شهری بودند: دروازه شمیران، دولت و شاه‌عبدالعظیم از آن جمله‌اند. این دروازه‌ها با عمق زیاد و ابعاد بزرگ‌تر فضاهای جانبی مختلفی نظیر حجره‌ها، اتاق‌های نگهبانان و مأموران گمرک و نواقلی (مأموران کنترل حمل و نقل و بارها) و راه‌پله‌هایی نیز برای دسترسی به غرفه‌های بخش فوقانی، داشتند. (سمسار، ۱۳۹۲، ۱۹)

### دروازه شاه‌عبدالعظیم

این دروازه در جنوب دارالخلافه ناصری و محله چال‌میدان، پرتددترین دروازه بخش جنوبی حصار بود. شایان ذکر است که دروازه شاه‌عبدالعظیم قدیم (حصار صفوی) در انتهای بازار قرار داشت. پس از توسعه شهر، دروازه جدید در راستای همان دروازه قدیم بنا گردید، که از بیرون به شهر ری و سپس به جاده قم و اصفهان راه داشت. طاق‌نمای دو طبقه در طرفین، سه تاج کنگره‌دار (خورشیدی) و شش مناره از بارزترین ویژگی‌های بنای این دروازه بود. (سمسار، ۱۳۹۲، ۲۱) در برخی منابع از این دروازه با نام «دروازه اصفهان» نیز یاد شده که بدلیل قرارگیری آن در مسیر جاده اصفهان بوده است.

تا پیش از راه‌اندازی ماشین دودی در مسیر حرم عبدالعظیم، ناصرالدین‌شاه همیشه از این دروازه برای زیارت تردد می‌کرد و در آخرین بازدیدش از حرم نیز کالسکه شاه از این دروازه عبور کرد.



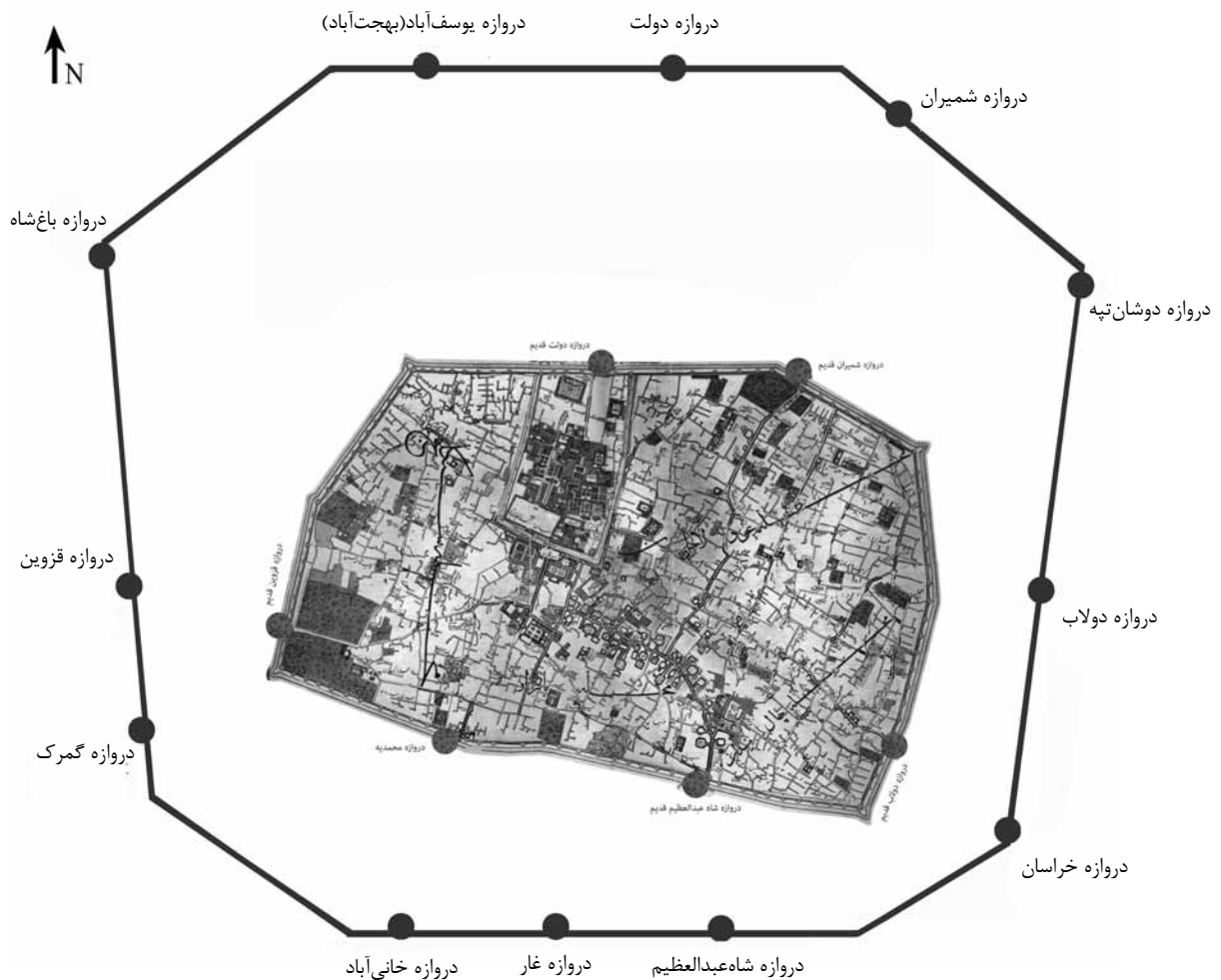
دروازه شاه‌عبدالعظیم در دارالخلافه ناصری، دوره قاجار (مأخذ: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)

Shah Abd-al-Azīm Gate, Tehran, Qajar era. (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies Archive)



دروازه شمیران در دارالخلافه ناصری، دوره قاجار (مأخذ: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)

Shemīran Gate, Tehran, Qajar era. (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies Archive)



در میان نقشه‌ها و تصاویر به‌جای مانده از دروازه شاه‌عبدالعظیم به‌نظر می‌رسد، در فضای مقابل آن میدان بزرگی وجود داشته که در اخبار منتشره در روزنامه دوران ناصری گزارش جالب توجهی از مراسم سان دیدن ناصرالدین‌شاه از افواج در این میدان به‌چاپ رسیده که نشان می‌دهد، این میدان ابعاد بزرگی داشته تا آنجا که گروه بزرگی از افواج نظامی در آن می‌توانستند رژه برونند؛ در میدان داخل دروازه شاه‌عبدالعظیم که افواج جدید عراقی به مراقبت کلنل شیونووسکی دشینووتیس اتریشی، در آن مشق می‌کنند، حاضر شدند.» (روزنامه ایران، تاریخ ۳ محرم ۱۲۹۷ق)

به دلیل تردد فراوان از این دروازه و قرارگیری آن در شاهراه اصلی ایران به سمت جنوب کشور بسیاری از صنایع و حرف (مراکز تولیدی) در دوره ناصری در اطراف این دروازه شکل گرفتند، که از آن جمله می‌توان به کارگاه (کارخانه‌های) کاشی‌سازان، آجرپزان اشاره کرد و تعدادی خانه نیز در فضای بیرون این دروازه ساخته شد. از وقایع جالب‌توجه تهران و این دروازه اینکه در روز ۲ محرم ۱۲۸۴ق سیل عظیمی در تهران جاری شد، که گزارش آن در خاطرات ناصرالدین‌شاه آمده: «...میرزا علی‌نقی، یحیی‌خان و محقق آمدند. از طهران نوشته بودند، ۲ محرم سیل زیادی [در تهران] آمده است، خانه‌های بیرون دروازه حضرت عبدالعظیم و گود زنبورک‌خانه را خراب کرده است.»

در سال ۱۳۰۳ق نیز برای امنیت بیشتر و جلوگیری از آتش‌سوزی، مقرر گردید تا محل و قیمت فروش نفت در دارالخلافه به شش دروازه از دروازه‌های دوازده‌گانه منحصر شود و در این راستا دروازه‌های شاه‌عبدالعظیم، دروازه دولاب، دروازه شمیران، دروازه قزوین، دروازه گمرک و دروازه خانی‌آباد برای این امر انتخاب و از طریق انتشار این فهرست در روزنامه برای عموم اعلام گردید. محل کنونی دروازه شاه‌عبدالعظیم در تهران، میدان شوش می‌باشد.

### دروازه شمیران

این دروازه در راستای مسیر منتهی به دروازه شمیران قدیم در حصار تهماسبی، در شمال شرقی باروی جدید بنا شده بود و یکی از دروازه‌های محله جدید به‌شمار می‌آمد. این دروازه یکی از مهم‌ترین دروازه‌های ارتباطی بود. در نمای بیرونی شهر این دروازه چهار منار و در سمت داخل دومانار وجود داشت و سردر خارجی آن با تاجی کنگره‌دار آراسته شده بود. (سمسار، ۱۳۹۲، ۲۰) در نقشه ناسکوف، نام دروازه شمیران با عنوان «دروازه نگارستان» یاد شده است. (عدل و اورکاد، ۱۳۷۵، ۳۷) دروازه شمیران در ابتدای خیابانی با همین نام و در نزدیکی پارک امین‌الدوله قرار داشت. محل کنونی دروازه شمیران در تهران، میدان ابوعلی سینا می‌باشد.

## دروازه خراسان

این دروازه در جنوب شرقی حصار شهر تهران واقع شده بود. مسافرانی که عازم مشهد بودند از این دروازه که به جاده خراسان منتهی می‌شد از شهر خارج می‌شدند. دروازه خراسان به لحاظ ساختار و پلان معماری شباهت زیادی به دروازه شاه عبدالعظیم داشت و دارای شش مناره بود که دوتای آنها در سمت داخل و چهار مناره در نمای بیرون آن قرار داشت [تعداد بیشتر مناره‌ها در نمای بیرونی دروازه‌های تهران نشان‌دهنده اهمیت تزئینی در نماسازی بیرونی دارد] از دیگر ویژگی‌های این دروازه، دهانه ورودی وسیع آن است که با طاق کاربندی کاشی‌کاری شده از بدنه نما عقب نشسته بود. گوشواره‌های دوطبقه‌ای به صورت طاق‌نماهایی با قوس جناغی در طرفین بنا وجود داشت. سه تاج کنگره‌دار بزرگ و کوچک بر پیشانی این دروازه از ویژگی‌های آن به‌شمار می‌آمد. (سمسار، ۱۳۹۲، ۲۱)

در روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در روز دوشنبه ۱۹ شعبان ۱۳۰۸ ق آمده: «بعد از ظهر سوار شدیم. نایب‌السلطنه و اینها رفتند، ما انداختیم از وسط صحرای سبز دولاب، از دروازه‌ی خراسان، داخل شهر شدیم. هوا ابر بود. از پشت گار راه آهن، از روی ریل راه آهن، آن طرف گذشتیم... بعد انداختیم از بالای قبرآقا به طرف دروازه‌نو و کوچه‌ی چاله سیلابی.» در نقشه عبدالغفار نام این دروازه را «دروازه مشهد» نوشته شده. محل کنونی دروازه خراسان در تهران، میدان خراسان می‌باشد.

## دروازه دولت

در شمال باروی شهر، دروازه‌ای بود که مستقیم از طریق خیابان دروازه دولت [به شمال ارگ حکومتی منتهی می‌شد. تصویر نبرد رستم و سهراب که در پیشانی بخش خارجی این دروازه با کاشی‌کاری بسیار زیبایی تزئین شده بود، از ویژگی‌های دروازه دولت بود. این دروازه در چند نوبت مورد بازسازی و تعمیر قرار گرفت. بالای سردر خارجی این دروازه تاجی کنگره‌دار وجود داشت و در دو سوی دهانه ورودی دو گوشواره با مقطعی به شکل چندضلعی جلوتر از سطح بدنه قرار گرفته بود. طاق‌نماهای این گوشواره‌ها در سه طبقه و با قوس جناغی بنا شده بودند. در سمت داخلی نیز برخلاف اکثر دروازه‌های دیگر دهانه ورودی جلوتر از سایر بخش‌های نما واقع شده بود. این دروازه دارای دومناره در سمت بیرونی و چهار مناره در بخش داخلی بود. (سمسار، ۱۳۹۲، ۲۰)

در روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در روز جمعه ۲۶ شعبان ۱۳۱۲ ق آمده: «امروز سوار شدیم از دروازه دولت که خیابانی آقاعبدالباقی ارباب ساخته است، راست می‌رود به عباس‌آباد. بیرون رفتیم، ناظم‌السلطنه سوارهای خودش را حاضر کرده بود که سان بدهد، حقیقت سواری به این خوبی هیچ نمی‌شود.» بعد از مرگ ناصرالدین‌شاه، فرزندش مظفرالدین‌شاه در روز ۲ جمادی‌الآخر ۱۳۱۴ ق از دروازه دولت تهران وارد پایتخت شد و در تهران تاج‌گذاری کرد. (ملک‌المورخین، ۱۳۸۶، ۴۴) محل کنونی دروازه دولت در تهران، تقاطع خیابان انقلاب و خیابان سعدی می‌باشد.

## دروازه یوسف آباد (بهجت‌آباد)

دروازه یوسف‌آباد در ابتدای جاده منتهی به میدان اسب‌دوانی بنا شده بود و ساختار معماری ساده‌تری نسبت به دیگر دروازه‌های شمالی تهران داشت و شامل دو مناره در دو سمت و یک دهانه ورودی بود. (سمسار، ۱۳۹۲، ۲۰)

در میان اسناد دوره قاجار مشاهده می‌شود که به جای نام دروازه یوسف‌آباد از «دروازه بهجت‌آباد» یاد شده و این به علت نزدیکی این دروازه به اراضی بهجت‌آباد (متعلق به بهجت‌الملک داماد میرزا یوسف‌خان مستوفی‌الممالک) بوده. اراضی بهجت‌آباد از جنوب به شمالی‌ترین بخش حصار ناصری (خیابان انقلاب تقاطع چهارراه کالج)، از شرق به فیشرآباد، از شمال به یوسف‌آباد و از غرب به حدود جلالیه می‌رسید. (معمدی، ۱۳۸۱: ۳۶۴)

بانی قریه بهجت‌آباد (مستوفی‌الممالک) نهری بزرگ از رودخانه کرج سلیمانیه منشعب کرد تا اراضی بهجت‌آباد و در نهایت موفق شد تا آب کرج را در ۱۱ ذی‌القعده ۱۲۸۷ ق به دروازه یوسف‌آباد برساند (روزنامه دولت علیه) و از آنجا تا داخل تهران کشید و سدی محکم به سال ۱۲۸۸ ق بست. (بلاغی، ۱۳۸۶، ۱۹۷)

رفت‌وآمدهای ناصرالدین‌شاه به اراضی بهجت‌آباد از طریق این دروازه مذکور تا حدود سال ۱۳۰۸ ق ادامه داشت (روزنامه ایران، ۲۲ صفر ۱۳۰۸ ق) «در اول شعبان ۱۳۱۹ ق، ملک‌المورخین گزارش مهمانی عروسی مجلی را در باغ اتابیک را ثبت کرده که این باغ در در حوالی دروازه بهجت‌آباد بوده (ملک‌المورخین، ۱۳۸۶، ۶۴۵) و نشان می‌دهد که این دروازه در دوران مظفری نیز بیشتر با نام بهجت‌آباد برای مردم شهر شناخته می‌شده.

## دروازه قزوین

این دروازه در غرب حصار شهر بر سر راه جاده تهران-قزوین واقع شده بود. امتداد مسیر آن به سمت مرکز شهر با عبور از محل دروازه قدیم قزوین به بازار منتهی می‌شد. این دروازه چهار مناره به صورت متقارن در دو سوی دهانه ورودی داشت، که دو مناره جانبی آن در دوره‌های بعد تخریب شدند. (سمسار، ۱۳۹۲، ۲۰)

مهم‌ترین باغ بیرون این دروازه، باغ شاه بود که هم در دوره ناصری و هم مظفری پیش از سفرهای فرنگ در آنجا اقامت داشته و با سفرا و علما ملاقات می‌کردند. در اطراف این دروازه محله‌ای به همین نام وجود داشت که میرزا محمدعلی خان قوام‌الدوله در آنجا



دروازه دولت در دارالخلافه ناصری، دوره قاجار (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان)

Dowlat Gate, Tehran, Qajar era. (Golestan Palace Archive)

عمارت و باغ بزرگی داشت و آب محله دروازه قزوین معروف به آب نجف‌آباد، وقفی امین‌الملک بود. (ملک‌المورخین، ۱۳۸۶، ۴۰۴) همچنین یکی از بزرگترین باغ‌های کنار دروازه قزوین، باغ خسروخانی بود.

### دروازه گمرک

این دروازه به عنوان یکی از سه دروازه غربی شهر، از معماری کاملاً متفاوتی نسبت به دیگر دروازه‌ها برخوردار بود. دروازه گمرک فاقد مناره بود. در طرفین قوس میانی، ستون نماهای برجسته کاشی‌کاری بر پایه‌سنگی ساخته شده بود. سه تاج نیم‌دایره پیشانی (خورشیدی) دروازه و تمامی بدنه آن با انواع کاشی تزئین شده بود. این دروازه به سبب تعدد کاروان‌های تجاری عبوری از آن و کنترل بارها برای گرفتن مالیات به این نام خوانده می‌شد. (سمسار، ۱۳۹۲، ۲۱)

در دوران وزارت میرزا عیسی‌خان وزیر (۱۲۸۷ق) از دروازه گمرک، خیابانی کشیده شد تا خیابان خانی‌آباد که در آنجا باغ خانی‌آباد قرار داشت. همچنین بعد از مرگ ناصرالدین شاه و در ماه شوال ۱۳۱۴ق، در نزدیکی دروازه گمرک، نخستین کارخانه بلور و شیشه‌سازی تهران ایجاد شد، هرچند بعد از چندی کارخانه خوابید. (ملک‌المورخین، ۱۳۸۶، ۷۹)

در سال ۱۳۲۲ق ایده ساخت رختشوی‌خانه توسط مشیرالسلطنه (وزیر مالیه و بیوتات دولتی) در نزدیکی دروازه گمرک مطرح شد. مقرر گردید تا این بنا را در طرف جنوب‌غربی دارالخلافه نزدیک به باغ و منزل خود مشیرالسلطنه بسازند، تا مردم محدوده دو دروازه گمرک و دروازه قزوین تا حدود میدان پای‌قاپوق (میدان اعدام) بتوانند از این رختشویخانه استفاده کنند تا آب‌های آشامیدنی آن محدود کمتر آلوده شود. (روزنامه ایران سلطانی، ۱۳۲۲ق)

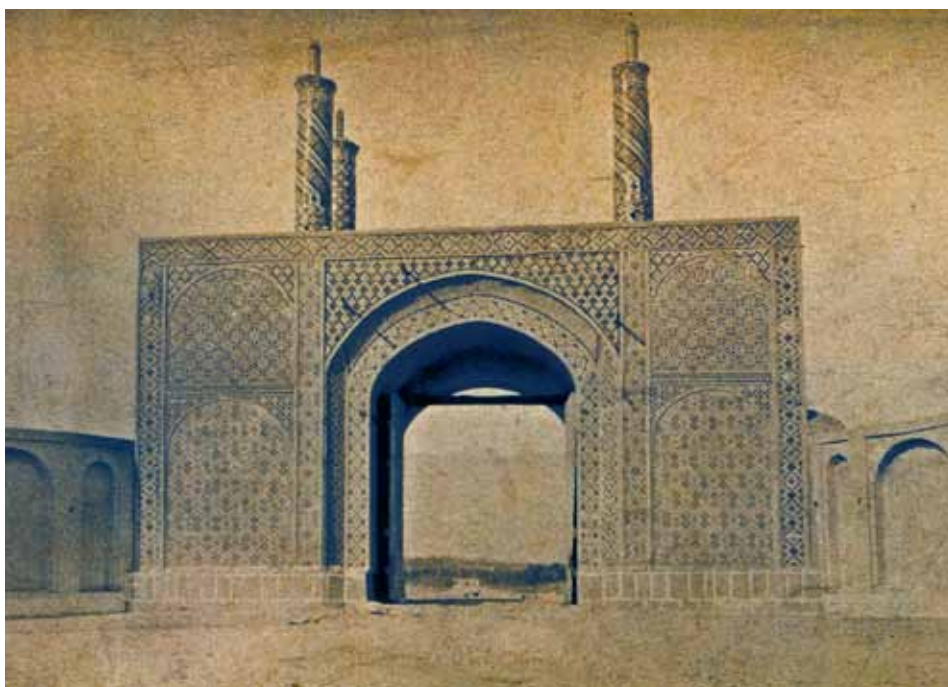
### دروازه خانی‌آباد

این دروازه که در ابتدای جاده‌ای که به سمت قریه خانی‌آباد می‌رفت ساخته شد. خانی‌آباد از دیه‌های قدیمی جنوب تهران است که در سابق از آن به‌صورت خان‌آباد و خوانی‌آباد هم نام برده شده (معمدی، ۱۳۸۱، ۳۷۴) و بعد از ساخت دروازه‌های حصار ناصری، این دروازه به نام خانی‌آباد شهرت یافت.

ظاهراً در ابتدا بیشتر اراضی محدوده خانی‌آباد به مستوفی الممالک تعلق داشت ولی بعدها، مالک خانی‌آباد اعتصام‌السلطنه از نزدیکان ناصرالدین‌شاه بوده است. محدوده‌ای که بعدها تبدیل به محله خانی‌آباد گردید، روی نقشه عبدالغفار با عنوان «محله بیرون دروازه نو» و «محله جدید» معرفی شد. (لطفی و شعله، ۱۳۸۷، ۲۲)

لازم به یادآور است که بخشی از یخچال‌های تهران در نزدیکی این دروازه و حصار جنوبی تهران قرار داشت. نزدیک‌ترین یخچال پشت‌بارو، یخچال ارباب رجب بود که به دروازه خانی‌آباد نزدیک بود و مردمان آن محله یخچال‌دار بودند. (همان، ۴۹) یکی از افراد مرتبط با این دروازه، علی حاجی عباسعلی، عوارض‌بگیر بلدیّه بوده که از جمله مأموران دروازه‌بان بوده. (همان، ۸۹)

از سال ۱۲۹۷ق سندی موجود است که نشان می‌دهد که پل قسمت شرقی دروازه خانی‌آباد نیاز به تعمیر و مرمت داشته و به همین دلیل اداره نظارت ایالات و بلدیّه در مورد تأمین مخارج تعمیرات آن با دربار مکاتباتی داشته است. (۱۱ برگ سند موجود در کتابخانه



دروازه یوسف‌آباد (بهجت‌آباد) در دارالخلافه ناصری، دوره قاجار (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان)

Yousef Abad (Behjat Abad) Gate, Tehran, Qajar era. (Golestan Palace Archive)

ملی ایران، ۱۳۱۸/۱۳۵۰) در دوران مظفری یکی از بزرگترین باغ‌ها در نزدیکی دروازه خانی‌آباد، باغ آقا میرزا مصطفی مجتهد آشتیانی با مساحت بیست‌هزار ذرع بود که در اعلانی در روزنامه ایران برای فروش گذاشته شد. (روزنامه ایران، ۲۵ شعبان ۱۳۱۹ق)

### دروازه غار

با گسترش محدود شهر دروازه‌های قدیمی جای خود را به دروازه‌هایی در حصار جدید دادند که تقریباً در همان راستا قرار داشتند. ورود به بخش غربی بازار و کاروانسراهای متصل به بازار تهران از طریق دروازه غار صورت می‌گرفت. دروازه غار از نظر ساختار مشابه دروازه خانی‌آباد بود. قوس بیرونی دروازه در هر دو طرف با کاربندی مختصری پوشش داده شده بود. (سمسار، ۱۳۹۲، ۲۱)

### دروازه دولاب

این دروازه یکی از ساده‌ترین دروازه‌های حصار ناصری به شمار می‌رفت و با توجه به عمق کم آن فاقد هرگونه فضای جانبی بود. در نمای یک سوی این دیواره، دو مناره به صورت قرینه قرار داشت. محصولات کشاورزی شامل سبزی و صیفی‌جات تهران از باغات اطراف این دروازه تأمین می‌شد. (سمسار، ۱۳۹۲، ۲۲)

. کلمه دولاب به معنی چرخ آب است. این دروازه در شرق تهران و به چال میدان و بازارچه نایب‌السلطنه واقع در خیابان ری نزدیک بود. در اوایل عهد قاجار، دروازه دولاب قدیم یکی از دروازه‌های اصلی حصار تهماسبی بود و بعدها در راستای همین دروازه، دروازه دولاب حصار ناصری ساخته شد. یکی از خیابان‌های منتهی به دروازه دولاب، خیابان کامرانیه بود که در سال ۱۲۹۸ق ساخته شد. (کمالی، ۱۳۹۲، ۱۲)

یکی از نخستین چاپخانه‌های تهران که به آن دارالطباعة می‌گفتند، در آغاز حکومت ناصرالدین‌شاه، متعلق به حاجی عبدالمحمد بود که در آنجا روزنامه چاپ می‌شد و در دورانی که هنوز حصار تهماسبی برقرار بود، کتاب‌های چاپی و روزنامه‌های این دارالطباعة که در نزدیکی دروازه دولاب قدیم بود، فروخته می‌شد. (روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه ۱۰ جمادی الثانی ۱۲۶۸ق)

### دروازه دوشان تپه

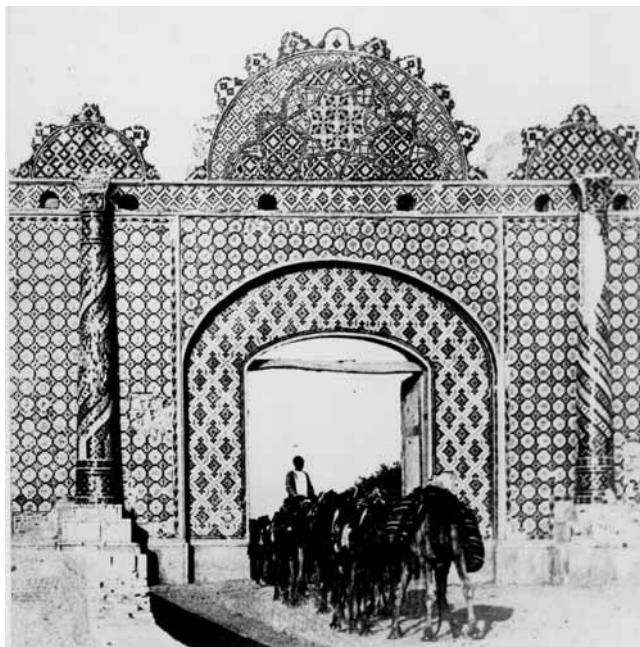
این دروازه یکی از سه دروازه غربی شهر بود و از سمت خارج از شهر در ابتدای مسیری بود که به سمت عمارت دوشان تپه می‌رفت. از ویژگی‌های این دروازه این بود که عرض کمتری نسبت به دیگر دروازه‌ها داشت، بنابراین مرتفع‌تر به نظر می‌آمد. این دروازه دو مناره در نمای خارجی و چهار مناره در نمای داخلی داشت و بر پیشانی آن تاجی کنگره دار دیده می‌شد. (سمسار، ۱۳۹۲، ۲۲)

این دروازه در دوران ناصری بدلیل تردد زیاد شاه به باغ و عمارت دوشان تپه بسیار مورد توجه بود.

### دروازه باغ‌شاه

این دروازه در غرب تهران نزدیک باغ‌شاه ساخته شده بود و محله سنگلج را با بیرون شهر تهران مرتبط می‌ساخت. دروازه باغ‌شاه از

ساختار نسبتاً ساده‌ای برخوردار بود. این دروازه مانند دیگر دروازه‌های تهران دارای یک دهانه ورودی در میان و دومناره در هر طرف بود. دو بخش جانبی دروازه به اتاق‌های محل استقرار مأموران نواقلی و نگهبانان اختصاص داشت. (سمسار، ۱۳۹۲، ۲۰)  
رفت و آمد شاهان قاجار و بسیاری از هیأت‌های خارجی که به تهران سفر می‌کردند از این دروازه انجام می‌گرفت و در مراسم‌های مختلف همچون بازگشت شاه از سفر فرنگ یا برگزاری مراسم‌هایی (همچون رونمایی از مجسمه ناصرالدین‌شاه سوار بر اسب در ۱۳۰۶ق) این دروازه آذین‌بندی می‌شد و سفرا و مهمانان ویژه از این مسیر عبور و مرور می‌کردند.



دروازه گمرک در دارالخلافه ناصری، دوره قاجار (مأخذ: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)

Khurasan Gate, Tehran, Qajar era. (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies Archive)



دروازه دوشان‌تپه در دارالخلافه ناصری، دوره قاجار (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان) (Dushan Tepe Gate, Tehran, Qajar era. (Gplestan Palace Archive)



دروازه خراسان در دارالخلافه ناصری، دوره قاجار (مأخذ: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)

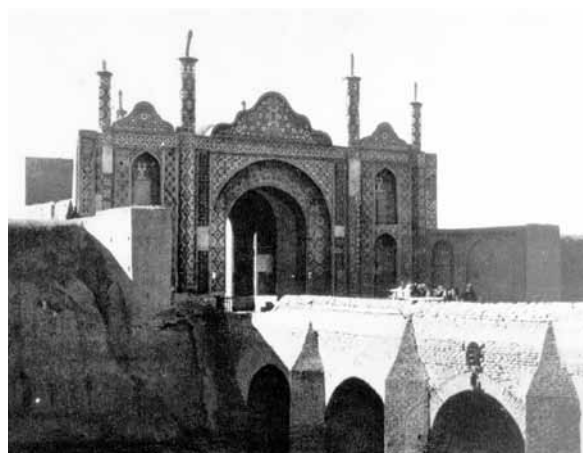
Khurasan Gate, Tehran, Qajar era. (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies Archive)



دروازه غار در دارالخلافه ناصری،  
دوره قاجار (مأخذ: مؤسسه  
مطالعات تاریخ معاصر ایران)  
Ghaar Gate, Tehran, Qajar  
era. (Institute for Iranian  
Contemporary Historical  
Studies Archive)



دروازه ماشین‌دودی در جنوب تهران، دوره قاجار (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان)  
Railway Gate, Tehran, Qajar era. (Golestan Palace Archive)



دروازه خانی‌آباد در دارالخلافه ناصری، قاجار (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان)  
Khani-Abad Gate, Tehran, Qajar era. Golestan Palace Archive)

## دروازه ماشین‌دودی

در جنوب دارالخلافه و در نزدیکی دروازه شاه‌عبدالعظیم، دروازه ساده‌ای با آجر ساختند که ایستگاه اولین قطار شهری در ایران بود و از آستانه این دروازه، قطار به سمت شهری حرکت می‌کرد. در پایان مسیر هم دروازه و اتاقی جهت انتظار برای شاه ساخته شده بود، این دروازه با اینکه ساختار و شکوه دروازه‌های دوازده‌گانه دارالخلافه را نداشت. ساخت این دروازه در سال ۱۳۰۶ ق، انجام شد و اولین شخصی که سوار آن شد خود ناصرالدین‌شاه بود. این دروازه تا سال‌ها باقی ماند و به همین دلیل در پاره‌ای از منابع، تهران را دارای سیزده دروازه دانسته‌اند. (تکمیل همایون، ۱۳۸۷، ج ۲، ۲۱).

امتیاز این نخستین راه‌آهن ایران در ۱۲۶۱ خورشیدی از سوی ناصرالدین شاه به مهندس فرانسوی بوتال داده شد، اولین بلیطی که در عهد ناصری برای ماشین‌دودی چاپ شد با ارزش سه شاهی بود و در زمان مظفرالدین شاه پنج شاهی و زمان احمدشاه به ده شاهی رسید. (شهبازی، ۱۳۹۷، ۵۱۳)

البته بر اساس گزارش ملک‌المورخین، در ماه ذی‌القعدة ۱۳۲۲ ق، کمپانی روسی، رئیس راه آهن و تراموای طهران، قیمت بلیط نمره اول راه‌آهن عبدالعظیم را سی شاهی، نمره دوم را یک قران کرد. سابق اول یک قران و دوم پانزده شاهی بود. (ملک‌المورخین، ۱۳۸۶، ۷۳۶) در زمان قاجار به قطار، «ماشین‌دودی» می‌گفتند و گاهی از آن با نام «غول آتش‌خوار» هم یاد شده. این قطارها ساخت کشور بلژیک بود و امروزه دو نمونه از آن باقی مانده، که یکی از آنها در بیرون ایستگاه مترو شهری در نمایش عموم است.



دروازه دولت در دارالخلافه ناصری، دوره قاجار (مأخذ: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)

Dowlat Gate, Tehran, Qajar era. (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies Archive)

## دروازه‌سازی برای رفع نحوست

در میان یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی (۱۳۲۱ق) که به کوشش ایرج افشار تصحیح و بازنشر شده، مطلب جالب توجهی درباره ایده ساخت دروازه جدیدی در تهران از سوی ارباب جمشید از رجال برجسته دوره ناصری آمده، که اینچنین است: «ارباب جمشید به راهنمایی بعضی عریضه به ناصرالدین‌شاه نوشته اجازه خواسته است که در بین دروازه اسب‌دوانی و دروازه یوسف‌آباد یعنی مقابل حسن‌آباد دروازه بسازد و عنوان آن مطلبی است که در روزنامه «ثریا» نوشته شده بود که از وقتی که راه‌آهن شاهزاده عبدالعظیم ساخته و دروازه آن بنا شده است عده دروازه‌های شهر به سیزده رسید و از نحوست این عدد کارهای مردم تنگ و ارزاق گران شده، خوب است یک دروازه دیگر بسازند که از نحوست بیرون آید و رفاه دست دهد. شاه هم اجازه داده و مناسبت آن این که در آن نقطه ارباب جمشید و راهنمایان او به این امر زمین دارند و می‌خواهند آن را آباد کنند. این هم یک وسیله نیل این مقصود است.» (فروغی، ۱۳۹۷، ۱۷۶)

## سردرباغ ملی؛ تنها دروازه باقی‌مانده از تهران قدیم

هرچند به نظر می‌رسد «میدان مشق» در دوره فتح‌علی‌شاه تأسیس شد، اما دوران تحولات و گسترش آن در عهد ناصری بود و علت آن ایجاد محلی به‌منظور مشق سربازان و ایجاد ارتش ایران بود.

اعتمادالسلطنه در کتاب المأثر و الآثار می‌نویسد: «توسعه و تجدید میدان مشق دارالخلافه تهران و ساخت دیواری مشتمل بر طاق‌نماهای آجری در دور میدان بشکل مربع باهتمام میرزا محمدخان سپهسالار در سنه ۱۲۷۸ق، پانزده سال بعد از جلوس همایون ناصرالدین‌شاه انجام شد.» میدان مشق به‌دلیل نزدیکی به قورخانه (محل ساخت تسلیحات نظامی) میدان توپخانه (میدان اصلی شهر) و ارگ سلطنتی از اهمیت مکانی خاصی برخوردار بود.

در طول دوران ناصری ساخت و سازهایی در آن انجام پذیرفت؛ از جمله ساختمان قزاق‌خانه در ضلع شمالی میدان مشق و بعد دو دروازه که یکی در ۱۳۰۷ ق و دیگری ۱۳۴۰ ق در جنوب شرقی و جنوب آن ساخته شدند.

در سال ۱۳۰۷ ق دروازه جدید توسط نایب‌السلطنه در ضلع جنوب شرقی میدان مشق ساخته شد که با کاشیکاری‌های تصویری (پیکره‌های قزاقان با انواع تسلیحات نظامی) تزئین یافت؛ «درب جدید میدان مشق بر حسب دستورالعمل و توجه نواب والا شاهنشاه‌زاده معظم احداث و بنا شده است، که کمال شکوه و عظمت را دارد و همچنین مرمت کلیه خیابان جنب میدان مشق تا باغ امیریه که خیابان مستقیم و بسیار مستطیلی است [خیابان سپه]...» (روزنامه ایران، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۰۷ق) در دوره احمدشاه ایده ساخت دروازه دیگری در جنوب این میدان شکل گرفت که بدلیل عدم توانایی احمدشاه اداره امور کشوری، عملاً کلیه امور کشور و بویژه نظارت بر ساختمان این دروازه برعهده رضاخان سردار سپه بود و به همین دلیل تزئینات، نقاشی‌های



تخریب دروازه دولت در دوره پهلوی (مأخذ: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)

Dowlat Gate is being destroyed, Tehran, Pahlavi era. (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies Archive)



تخریب دروازه یوسف‌آباد در دوره پهلوی

Yousef Abad Gate is being destroyed, Tehran, Pahlavi era

مشق، مطرح شد و به اجرا درآمد. پس از آن ساختمان‌های دیگری در این محوطه ساخته شد که از آن جمله می‌توان به ساختمان پست (معمار مارکوف، ساختمان شهربانی، موزه ملی ایران و بعدها موزه و کتابخانه ملی ملک اشاره کرد. خوشبختانه این دروازه در سالهای اخیر مرمت و بازسازی شده است و همچنان از جمله نمادهای شهر تهران به حساب می‌آید.

کاشی هفت‌رنگ، سردیس و کتیبه‌های نستعلیق این دروازه، برای رضاخان و به‌نام او ثبت شد. این دروازه جدید چکیده تجربه معماران و طراحان ایرانی در ساخت یک دروازه با شکوه بود و از نظر ارتفاع و تناسب بسیار موفق‌تر از نمونه‌های پیشین بود. معمار دروازه سردرباغ ملی، استاد جعفرخان معمارکاشانی، سفتکاری توسط استاد اسماعیلی و ستون‌ها به‌دست کریم منیژه انجام پذیرفت. کاشیکاری‌های این دروازه (شامل طراحی و نقاشی، ساخت و پخت بدنه) توسط حاجی حسین کاشی‌پز (خاک‌نگار مقدم) انجام شد و شاعر کتیبه‌ها نیز ندیم‌الملک کاشانی بود.

بر روی کاشی‌های هفت‌رنگ این دروازه تصویر پرچم ایران و نقش شیروخورشید در کنار انواع توپ و مسلسل شصت‌تیر (که رضاخان در تیراندازی با آن مهارت داشت، به همین سبب وی را رضاخان شصت‌تیر هم می‌نامیدند) نقاشی شده بود. در جانب داخلی دروازه تصویر حمله بریگاد قزاق به تهران و دروازه قزوین و حصار تهران کشیده شده و در پیشانی دروازه متن «نصرمن الله و فتحا قریب» و تصویر دو فرشته نگهبان مشاهده می‌شود.

پس از ساخت دروازه جنوبی میدان مشق، فکر ایجاد اولین باغ عمومی شهر تهران به نام «باغ ملی» در اراضی میدان



دروازه سردرباغ ملی، اواخر دوره قاجار  
(عکس: کیانوش معتقدی)



نقشه تهران امروز با جایگزاری حصارهای شاه تهماسبی و ناصری  
Map of Tehran with two walls and gates from Qajar era.

دروازه‌های تهران در آغاز حکومت پهلوی و بدستور بوذرجمهری (شهردار وقت تهران) در سال ۱۳۰۶ خورشیدی برای همیشه تخریب شدند و باوجود اینکه این بناهای ارزشمند روزگاری مهم‌ترین نماد شهری تهران بودند، در برابر سیل مدرنیته که می‌خواست چهره پایتخت را تغییر دهد، دوام نیاوردند و از صحنه روزگار پاک شدند.

## کتاب‌نامه

- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۷) اینجا طهران است، مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۲۶۹-۱۳۴۴ ه.ق، نشر تاریخ ایران. اعتمادالسلطنه، میرزا محمدحسن (۱۳۶۳) المائر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، نشر اساطیر. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷) مرآت البلدان ناصری، به کوشش عبدالحسین نوایی، دانشگاه تهران. افشار، ایرج (۱۳۹۷) یادداشت‌های روزانه از محمدعلی فروغی، انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن. افشار، ایرج (بی‌تا) گنجینه عکس‌های ایران، نشر فرهنگ ایران. امین رضا فرمان و سینا رحمانیان (۱۳۹۲)، نقش عملکردی دروازه‌ها و ورودی‌های شهری در ایران، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، تهران، انجمن محیط زیست کومش، دانشگاه صنعت هوایی، اهری، زهرا (۱۳۹۳) شناسایی مکان‌ها و پیوندهای سازنده ساختار اصلی تهران در آغاز دوره ناصری، طرح پژوهشی، دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی. تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۵) تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران جلد یکم؛ از آغاز تا دارالخلافه ناصری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی. جواهرکلام، عبدالعزیز (۱۳۵۲) تاریخ طهران. چاپ دوم. تهران: انتشارات کتابخانه منوچهری حاج یاسینی، هاله (۱۳۹۰) «تبیین الگوی شکلی دروازه‌های حصار شهر تهران دوره قاجار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان. حاج یاسینی، هاله و محمود ارژمند (۱۳۹۱) دروازه‌های تهران در حصار تهماسبی، نامه معماری و شهرسازی، ش ۹، صص ۱۲۹-۱۰۵. حسینی بلاغی، عبدالحجت (۱۳۸۶) گزیده تاریخ تهران، انتشارات مازیار. ذاکرزاده، امیرحسین (۱۳۷۳) سرگذشت طهران، انتشارات قلم. ذکاء، یحیی و محمدحسن سمسار (۱۳۶۹) تهران در تصویر، انتشارات سروش. \_\_\_\_\_ (۱۳۴۹) تاریخچه ساختمان ارگ سلطنتی، انتشارات شرف. رضوانی، محمداسماعیل (۱۳۷۰) «گزارشی از دروازه‌های تهران در عصر ناصری»، گنجینه اسناد، ش ۳ و ۴، صص ۵۸-۷۶. سلطانزاده، حسین (۱۳۷۱) فضاهای ورودی خانه‌های تهران قدی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲) فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، شهرداری تهران. سمسار، محمدحسن و فاطمه سربایان (۱۳۹۲) سیمای تهران، جلد ۲، انتشارات زیربان. شعله، مهسا (۱۳۸۵) دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای، نشریه هنرهای زیبا، ش ۲۷، صص ۱۷-۲۶. شمیم، علی اصغر (۱۳۷۲) ایران در دوره سلطنت قاجار، انتشارات علمی شهبازی، داریوش (۱۳۸۶) برگ‌هایی از تاریخ تهران، نشر بوره‌که‌یی. شهبازی، داریوش (۱۳۹۷) تهران نامه، جلد یکم، نشر ماهریس شیرازیان، رضا (۱۳۹۷) تهران نگاری: طهران در مطبوعات دوره قاجار (دوره‌های ناصری و مظفری)، انتشارات دستان. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵) اطلس تهران قدیم، انتشارات دستان. عبدامین، مجید (۱۳۹۵) روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه ۱۲۸۳-۱۲۸۲؛ به انضمام سفرنامه مازندران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر ملی. عبدامین، مجید (۱۳۹۵) روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه ۱۲۸۴-۱۲۸۳؛ به انضمام سفرنامه خراسان، انتشارات موقوفه دکتر محمود افشار. عدل، شهریار و برنارد اورکارد (۱۳۷۵) تهران پایتخت دویست ساله مجموعه مقالات، ترجمه ابوالحسن سروقدم مقدم و دیگران، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران. قبادیان، وحید (۱۳۸۳) معماری در دارالخلافه ناصری؛ سنت و تجدد در معماری معاصر تهران، نشر پشتون. کرزن، جورج ن (۱۳۶۲) ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، انتشارات علمی و فرهنگی. کریمان، حسین (۱۳۵۵) تهران در گذشته و حال، انتشارات دانشگاه ملی ایران. لطفی، سهند و مهسا شعله (۱۳۸۷) خانی‌آباد، تهران پژوهی ۲، دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ملکی، حسین (زاوش) (۱۳۷۰) تهران در گذرگاه تاریخ، نشر اشاره. محمدزاده‌مهر، فرخ (۱۳۸۱) میدان توپخانه تهران، نگاهی به سیر تحول در فضاهای شهری، پیام سیما. محرابی، حسن (۱۳۸۴) دروازه‌های غیب شده تهران، مجله جوان، ص ۱۲. مصطفوی، محمدتقی (بی‌تا) آثار تاریخی طهران، تصحیح میرهاشم محدث، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی معتمدی، محسن (۱۳۸۱) جغرافیای تاریخی تهران، مرکز نشر دانشگاهی، تهران. معتقدی، کیانوش (۱۳۹۴) کتیبه‌های نستعلیق تهران، نشر پیکره و سازمان زیباسازی شهر تهران. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵) دروازه‌های طهران قدیم، نشر پیکره و سازمان زیباسازی شهر تهران. معمارزاده، محمد (۱۳۷۴) «تهران و دروازه‌های دوره قاجاریه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان. نجمی، ناصر (۱۳۷۳) تهران در گذر زمان، انتشارات گوتنبرگ. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۷) دارالخلافه طهران، انتشارات عطار. نصیری اسکویی، نسرين (۱۳۷۹) «طرح مرمت دروازه محمدیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان. هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹) روضه الصفا ناصری، نشر مرکزی